



## گزیده مصوبات جدید

حقوق :: نشریه قضاوت :: دی و بهمن ۱۳۸۱ - شماره ۱۱

صفحات : از ۴ تا ۱۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861268>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری ایران و تعارض های آن با اسناد بین المللی
- منع مجازات مضاعف، آراء، مبانی و ادله موافقان و مخالفان با مطالعه تطبیقی در آراء مراجع عظام تقلید
- اعتبار امر مختومه در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی
- بررسی جایگاه قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد در نظام کیفری ایران
- آثار پرداخت دین دیگری توسط ثالث از روی ناچاری

## عناوین مشابه

- گزیده مصوبات جدید: آئین نامه و دستورالعمل اجرایی ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و مادتين ۱۸ و ۴۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۸۵ شمسی
- گزیده مصوبات جدید
- گزیده مصوبات جدید: رأی وحدت رویه شماره ۷۰۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه کیفری استان
- گزیده مصوبات جدید: آیین نامه اجرای بازداشتگاههای موقت
- گزیده مصوبات جدید: آیین نامه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی
- گزیده مصوبات جدید: قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون های سراسری
- گزیده مصوبات جدید: دستورالعمل اجرایی موضوع ماده ۳۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
- گزیده مصوبات جدید
- گزیده مصوبات جدید
- گزیده مصوبات جدید: آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان



# گزارش مصوبات جدید

## ۹۹ ماده به عنوان موافقتنامه همکاری قضایی ایران و سوریه

این موافقتنامه که در تاریخ ۸۰/۸/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید ۱۷ ماده آن از جمله مواد ۱۰-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۶-۲۸-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۶-۴۹-۵۴-۵۸-۶۴-۸۴ مورد ایراد شورای نگهبان واقع که به لحاظ اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام منکس که عیناً مصوبه مجلس از سوی مجمع تشخیص مصلحت تأیید گردید. در این موافقتنامه نکاتی جلب نظر می‌کند:

فراهم شدن مبادله پژوهشهای حقوقی و فقهی و مجلات حقوقی و قوانین و مصوبات قضایی معتبر

تشکیل دوره‌های آموزش کارکنان امور قضایی اعطای نیابت قضایی در امور مدنی، تجاری، جزایی، حسبیه از مرجع مطراز.

قبول اعتبار قضیه محکوم بها (البته با توجه به امکان تجدیدنظرخواهی موق‌العاده فعلاً امر محکوم بها در ایران وجود ندارد) صدور دستور موقت یا اقدامات تاه‌مینی در دادگاه صالح به رسیدگی. تبادل اطلاعات سوابق کیفری (یکی از مشکلات عمده امروزه دستگاه قضایی اتوماسیون نبودن و عدم استفاده مناسب و بهینه و اولیه از رایانه که اکنون سوابق سجل کیفری افراد متمرکز نیست).

قابل استرداد نبودن مجرم سیاسی. جرم سیاسی نبودن سوء قصد یا شروع به آن علیه رؤسای کشور، معاون همسر و والدین و فرزندانشان (اشاره‌ای به تعریف جرم سیاسی معطل مانده)

انتقال محکومان به زندان.

## هزینه ازدواج کلیه فرزندان مستخدمین به صورت مضاعف قابل پرداخت است و محدود نمودن آن به سه یا دو فرزند نیز قانونی نیست

در مورخ ۷۹/۱/۱۳ معاون اداری - مالی وزارت آموزش و پرورش در بخشنامه‌ای اعلام داشته است که اگر مثلاً والدین یک فرزند که ازدواج می‌نمایند کارمند و شخص مزدوج نیز کارمند باشد یکی از آنان می‌توانند از کمک هزینه ازدواج که در بند یک ماده ۳ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت مصوب سال ۱۷۵ آمده بهره‌مند شوند و محدود به ۳ فرزند می‌باشد.

این بخشنامه از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید.

رای هیأت عمومی - شماره ۱۰۷۸۰۷-۱۹/۱۵/۱۳۸۱

طبق بند ۲ ماده ۷ قانون اصلاح یاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانوادها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹ پرداخت کمک هزینه ازدواج در مورد ازدواج دائم خود و فرزندان مستخدمین شاغل، بازنشسته، از کار افتاده و متوفی فقط یک بار حسب مورد تجویز شده است. بنابراین اولاً مفاد قسمت اول بند ۵ بخشنامه شماره ۷۱۰۵۸ مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۳ که پرداخت هزینه مذکور را حداکثر نسبت به ازدواج سه فرزند محدود و محصور کرده با حکم صریح مقنن که علی‌الاطلاق و بدون قید انحصار پرداخت هزینه ازدواج کلیه فرزندان مستخدمین مشمول قانون را تجویز نموده است، مغایرت دارد و خارج از حدود اختیارات معاون اداری و مالی وزارت آموزش و پرورش تشخیص داده می‌شود و مستلاً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد. ثانیاً، قسمت اخیر بند ۵ بخشنامه فوق‌الاشعار متضمن عدم جواز پرداخت هزینه مذکور بطور مضاعف مغایرتی با قانون ندارد.

**الزام به شرکت در کلاس آموزشی،  
مطالبه مدارک مثبت مالکیت، اخذ  
گواهینامه از راننده متوقف در میدانی  
یا محل ایستادن ممنوع قانونی نیست**

در ماده ۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات واحد جرائم رانندگی مصوب ۵۰ و تبصره ذیل آن آمده است محل های که توقف وسایل نقلیه در آن محل ها موجب بروز خطر انسداد راه می شود باید با نصب علائم مخصوص رانندگی بوسیله مسئولان مربوط مشخص شود در صورت توقف وسیله در این قبیل محلهای پیاده روها مأموران مربوطه مجازند با وسایل اطمینان بخش که برای این کار معمول است وسیله نقلیه مزبور را به نزدیکترین توقفگاه یا منطقه مجاز انتقال داده جریمه مقرر را با حق توقف در توقفگاه از متخلف دریافت کنند.

اینها مجازات تخلف مذکور است که قانونگذار بدان تصریح نموده اما معاونت راهنمایی و رانندگی با صدور دستورالعملی الزاماتی بیش از این لحاظ کرده است از جمله اخذ گواهی عدم خلاف، پرداخت جریمه های اعمال شده و دریافت مفاصا حساب، حضور متقاضی در منطقه راهنمایی و ارائه مدارک مثبت مالکیت و اخذ گواهینامه که هیچکدام از این موارد وضع آن در صلاحیت نیروی انتظامی نیست حتی اخذ گواهینامه در ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی مصوب سال ۱۳۵۰ تصریح شده مواردی که افسران مجاز به اخذ گواهینامه در ماده ۱۰ باشند عبارتند از سرعت و سبقت غیر مجاز، و تجاوز به چپ، عبور از جهت و مسیر ممنوع، عدم رعایت حق تقدم، نقض فنی عبور از چراغ قرمز، عدم توجه به فرمان پلیس راهنما، دور زدن در نقاط غیر مجاز همانگونه که ملاحظه می شود مقنن در مقام بیان و تذکر موارد اخذ گواهینامه است جز در موارد معدود و مخصوص قابل تسری به تخلفات دیگر نیست رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مشعر بر این معناست.

رای هیأت عمومی شماره ۸۰۳۵-۴۴۶/۸۰-۳۰/۵۳۱۸۱

حمایتی و استخدامی دیگر نباشد اطلاق کار بر این رابطه مستقر می شود.

فلذا در مقام اظهار نظر کارگزاران دفتر روستایی مخابراتی را کارگر مشمول قانون کار دانسته این در حالی است که در ماده ۳ قانون تشکیل شرکتهای دولتی مصوب ۵۳/۳/۵ مرجع تشخیص مشاغل رای سازمان امور استخدامی (سازمان مدیریت برنامه ریزی) دانسته است.

«رای شماره ۸۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بخشنامه های شماره ۱۱۵۸۴ مورخ ۱۳۷۹/۲/۵ و ۲۱۹۱۱/۱ مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۹ مدیر کل دفتر تنظیم و روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی»  
رای هیأت عمومی

طبق تبصره ماده ۴ لایحه قانونی استخدام کشور تشخیص مشاغل کارگری در وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون مزبور به عهده سازمان امور اداری و استخدامی کشور و حسب ماده ۳ مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب ۱۳۵۲ تعیین مشاغل کارگری در شرکتهای مشمول قانون اخیرالذکر به عهده شرکت و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی محول شده است. بنابراین مفاد نامه های شماره ۱۱۵۸۴/ت مورخ ۱۳۷۹/۲/۵ و ۲۱۹۱۱/ت مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۹ مدیر کل دفتر تنظیم و نظارت روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی که رابطه استخدامی کارگزاران در شرکت مخابرات ایران را از مصادیق کارگری مشمول قانون کار اعلام داشته و نتیجتاً شغل مذکور را از نوع مشاغل کارگری تعیین کرده است خارج از حدود اختیارات واحد مزبور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و مفاد نامه های فوق الاشعار در این خصوص مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

**اعتراض به رد تابعیت در محاکم قابل  
استماع است**

در ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب سال ۵۵ هیأتی پیش بینی شده به نام هیأت حل اختلاف مرکب از رئیس اداره ثبت احوال و مسئول بایگانی یا معاونین و با نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور که پنج وظیفه برای هیأت مذکور قائل شده است.

در ماده ۴ رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعای راجع به اسناد ثبت احوال یا دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می آید و رای دادگاه فقط پژوهش پذیر است.

بعضی عقیده داشتند تنها مرجع صالح برای احراز هویت اشخاص مشکوک الهویه مأمورین انتظامی و امنیتی و ایضاً تنها مرجع صالح برای رد یا قبول تابعیت و تشخیص تابعیت اشخاص مشکوک الهویه شورای تأمین شهرستان می باشد این مطلب در دیوانعالی کشور به لحاظ صدور آراء متفاوت مورد بررسی قرار گرفت نهایتاً پذیرش اعتراض در دادگاههای عمومی به نظریه اکثریت مورد قبول واقع شد.

رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور رای شماره ۱۳۸۷/۲۰-۶۵۸

به موجب ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ هرگاه تابعیت فردی مورد تردید واقع شود شورای تأمین شهرستان موضوع را بررسی و اداره ثبت احوال بر اساس گزارش شورای مذکور مبادرت به اتخاذ تصمیم می نماید و در صورت اعتراض مترض حل هیأت حل اختلاف مقرر در ماده سوم قانون ثبت احوال نیست به موضوع رسیدگی و اظهار نظر می کند. و تصمیم هیئت بر طبق ماده چهار قانون مذکور قابل اعتراض در دادگاه عمومی است.

بنا به مراتب رای شعبه ۱۷ دیوانعالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء اعضا هیئت عمومی صحیح و قانونی تشخیص می شود این رای وفق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها لازم اتباع است.

**تأیید مشاغل کارگری در شرکتهای  
دولتی از وظائف سازمان امور اداری  
و استخدامی است**

مدیر کل دفتر تنظیم روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در مقام تعریف کارگر نظر دارد که هر فردی بدون سرمایه وسایل و ابزار کار و صرفاً در مقابل عرضه نیروی کار خود بدون اینکه سود و زیان کارگاه متوجه وی باشد مزد دریافت داشته و تأمین معاش می کند صرف نظر از عناوینی که طرفین برای قرار داد انتخاب کرده باشند چنانچه این رابطه مشمول مقررات



۱۳۸۱

قانونگذار به شرح مقرر در ماده ۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات رانندگی و اخذ جرائم مصوب ۱۳۵۰ به منظور جلوگیری از بروز خطر و انسداد راه، توقف وسایل نقلیه را در محلهای که در اجرای حکم مقنن با علائم مخصوص رانندگی مشخص شده در زمره تخلفات رانندگی قرار داده و ضمانت اجرا و مجازات تخلف از حکم مذکور را انتقال وسیله نقلیه متوقف در محلهای مزبور به نزدیکترین توقفگاه یا منطقه مجاز با وسایل اطمینان بخش و اخذ جریمه مقرر با حق توقف در توقفگاه تعیین کرده است. نظر به مراتب فوق الذکر و اینکه وضع قواعد امره از جمله تعیین ضمانت اجرای قانون و مجازات مرتکبین تخطی از آن اختصاص به قوه مقننه و مقنن از قبیل این قوه دارد مفاد دستورالعمل مورد اعتراض که با وضع قاعده امره الزاماتی بیش از حد مقرر در قانون برای متخلفین در نظر گرفته است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات معاون راهنمایی و رانندگی و امور حمل و نقل نیروی انتظامی تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.



**آئین نامه بکارگیری سلاح توسط مأمورین انتظامی در مورد شخص زندانی یا بازداشت شده**

در سال ۷۳ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در بند ۵ از ماده ۳ در خصوص مواردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید از اقدامات دیگر برای دستگیری یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نینخشیده باشد اجازه داده شده سلاح بکار گرفته شود و در تبصره این بند آمده است آئین نامه اجرایی توسط وزارت دادگستری و کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد.

نکات:  
۱- عمر این قانون حدوداً ۱۱ سال سپری شده آئین نامه آن امروز به تصویب می رسد؟

مشکل چیست؟  
۲- آئین نامه از سوی وزیر دادگستری و کشور ۵ سال بعد از تصویب قانون به هیأت دولت ارسال می گردد.

۳- پس از گذشت ۱۱ سال از تصویب این قانون در تبصره اجرایی تنظیمی دستورالعمل اجرایی به عهده رئیس قوه قضائیه محول کرده اند آیا دولت حق این را دارد.  
که رسماً اقدام به تحمیل این مسوولت قوه قضائیه نماید قطعاً این ظرفیت قانونی قوه مجریه وجود ندارد با هم این آیین نامه را بررسی می کنیم.

شماره ۱۱۲۵۰، ت ۱۱۳۴۰ - هـ ۱۳۸۹۷۷  
وزارت کشور - وزارت دادگستری  
هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳۰/۱۶  
به پیشنهاد مشترک شماره ۹۱۷۶۶/۶۶ مورخ ۱۳۷۷/۶/۲۶  
وزارتخانه های کشور و دادگستری به استناد تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری - مصوب ۱۳۷۳ آئین نامه اجرایی بند مذکور را به شرح ذیل تصویب نمود:

این نامه اجرایی تبصره بند (۵) ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری

ماده - تعاریف و مفاهیم  
الف - بازداشتگاه: محل نگهداری موقت متهمانی است که طبق قوانین و مقررات تلمیس و اداره می گردد.

ب - بازداشتی: به کسی اطلاق می گردد که طبق قوانین و مقررات نااتخاذ تصمیم نهایی در بازداشتگاه نگهداری می شود.

ج - زندان: محلی است که در آن محکومان قطعی یا معرفی مقامات ذی صلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمیل کفر نگهداری می شوند.

ماده ۲- مأموران ذی ربط در صورت مشاهده فرار بازداشتی یا زندانی موظفند به ترتیب زیر اقدام کنند.

الف - با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرار متواری اقدام نمایند.

ب - با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند.

ج - با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد، اقدام به شلیک تیر هوایی نمایند.  
د- در صورت عدم تأثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهند.  
تبصره ۱- تیراندازی از ناحیه کمر به بالا در صورتی مجاز است که مراحل فوق رعایت گردیده و یا اجرای آنها ممکن نباشد.

تبصره ۲- در صورتی که فرار با استفاده از وسایط نقلیه انجام گیرد، مأموران موظفند برابر ماده (۶) قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری - مصوب ۱۳۷۳ - اقدام نمایند.



تبصره ۳- دستورالعمل اجرایی چگونگی برخورد با ناآزمیهای داخل زندان و زندانیان و بازداشتنهای متواری از لایه های دورنی زندانها و بازداشتگاهها توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و به تأیید رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

تبصره ۴- در صورتی که نقل و انتقال افراد زندانی یا بازداشتی توسط گروهی از مأموران صورت گیرد، تشخیص تیراندازی بر عهده فرمانده گروه مأموران مراتب می باشد.

ماده ۳- در شرایطی که رعایت ترتیبات موجب متواری شدن بازداشتی یا زندانی می شود، مأموران مجاز به استفاده از سلاح بدون رعایت ترتیبات فوق می باشند.

ماده ۴- به منظور پیشگیری و تقلیل حوادث پیش بینی نشده، مسؤولان ذی ربط موظفند مأموران موضوع قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری - مصوب ۱۳۷۳ - را با قانون و آئین نامه های اجرایی آن حتماً آشنا نمایند.

ماده ۵- در کلیه مواردی که مأمور یا مأموران مسلح در اجرای مأموریت خود اقدام به تیراندازی نموده و منجر به قتل یا جرح شده باشد اعم از اینکه

شکایت از طریق یگان مربوط و یا شاکی خصوصی مطرح گردد، سازمان مربوط موظف است همراه با گزارش جامع خود در خصوص اقدامات مأمور یا مأموران عمل کننده نظریه هیأت کارشناسی مرکب از نمایندگان حفاظت اطلاعات، بازرسی حقوقی یگان مربوط را اخذ و به مرجع قضایی رسیدگی کننده ارسال نماید. هیأت مزبور مکلف است با بررسی دقیق موضوع، نظریه خود را مبنی بر انطباق یا عدم انطباق اقدام مأمور یا مأموران در بکارگیری سلاح با مقررات مربوط اعلام نماید.

**وضع عوارض جدید و تغییر عوارض موجود پیشنهاد وزیر کشور و با تصویب رئیس جمهور قابل عمل است.**

سابقه وضع عوارض مبین این است که عوارضی که به استناد بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب سال ۶۱ وضع شده باید به تنفیذ نماینده ولی امر برسد و هر گونه افزایش این عوارض و یا وضع جدید طبق بند الف ماده ۳۳ قانون وصول اراضی از درآمد های دولت مصوب ۶۹ و ماده ۳۰ قانون در سال ۷۳ موکول به تصویب رئیس جمهور است. وزیر کشور به قائم مقامی شهرداری بخشنامه ای مورد عوارض صادر کرده که شرح زیر از سوی دیوان عدالت ابطال گردید.

رای هیأت عمومی شماره ۸-۱۳۷۹-۲۱

ب- موجب بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱ تعیین عوارض متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده با رعایت شرایط و ضوابط مربوط و تنفیذ مقام ولایت امر به شورای اسلامی شهر محول شده و به صراحت بند الف ماده ۳۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ در صورت عدم تکلیف عوارض وصولی، وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود صرفاً به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب ریاست جمهوری محول گردیده است.

بنا به مراتب فوق الذکر وضع عوارض بدون تحقق و اجتماع شرایط مربوط و رعایت تشریفات مقرر در قانون و بدون پیشنهاد و تنفیذ یا تصویب مقامات ذیصلاح موافق حکم و هدف مقنن نیست. بنابراین مصوبه مورخ ۱۳۶۷/۲۳/۳۰ قائم مقام وزارت کشور در شهرداری تهران موضوع تعرفه وصول ۵۰٪ عوارض از بهای فروش عمده برمیانی تولید خالص کلیه شرکتهای تولید کننده مالشیر و نوشابه های غیر الکلی و بخشنامه شماره ۱۰۴۷۷۷/۳۴ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۰ و وزارت کشور شمر بر تعیین قلمرو اعتبار مصوبات مقامات ذیصلاح در اجرای بند الف ماده ۳۳ قانون فوق الذکر و همچنین تأیید اعتبار اجرایی عوارض کارخانجات نوشابه سازی به میزان بیش از یک درصد بر اساس مصوبه قائم مقام وزارت کشور مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

اراضی و املاک و انجام قانونی مراحل تفکیک، به شرح زیر اخذ نمایند:

الف - تفکیک اراضی و املاک در داخل محدوده (قانونی) شهر و حریم شهر از نظر رعایت مصوبات طرحهای جامع و هادی شهری از شهرداری مربوط.

ب - تفکیک اراضی و املاک واقع در خارج از حریم شهرها از نظر رعایت کاربری و ضوابط طرحهای جامع ناحیه‌ای و در صورت عدم تهیه طرح برای ناحیه مورد نظر، از نظر رعایت ضوابط آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها (مصوب ۱۳۴۵ هیأت وزیران) و اصلاحات بعدی آن، از سازمان مسکن و شهرسازی استان.

تبصره - در داخل محدوده روستاها مرجع تهیه و تأیید نقشه‌های مربوط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است.

ماده ۶- هر نوع نقل و انتقال اعم از رسمی و عادی، تفکیک، افزا، صدور سند و تغییر کاربری در مورد زمینهای موضوع این قانون، بدون رعایت مفاد این قانون و مقررات مربوط ممنوع است. در صورت تخلف، متخلفان از جمله هیأت مدیره شرکت تعاونی ذی ربط، مسؤول جبران خسارت وارد شده به اشخاص حقیقی و حقوقی، شهرداریها، دولت و اعضای شرکتهای تعاونی مسکن می‌باشند.

ماده ۷- مرجعی که خارج از حدود وظایف خود در حریم یا خارج از حریم شهرها تصمیم‌گیری کنند و به هر نحو به ساخت و سازهای غیر قانونی و بر خلاف مفاد این قانون اقدام نمایند و یا مؤثر در احداث این گونه بناها باشند و یا به نحوی در این گونه اقدامات خلاف مشارکت نمایند، طبق این قانون متخلف محسوب می‌شوند و با آنها مقررات رفتار خواهد شد.

هدف متقاضیان در اراضی مورد نظر از مراجع مذکور در مواد (۲) و (۴) این قانون می‌باشد.

ماده ۲- دفاتر اسناد رسمی و کلیه مرجع قانونی و اگذار کننده زمین اعم از سازمانها، نهادها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی موظفند قبل از هر گونه نقل و انتقال و یا واگذاری زمین به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع بلامانع بودن احداث واحدهای مسکونی در اراضی مورد نظر را طبق مواد آتی از مراجع تعیین شده در این قانون استعلام و پیوست مدارک نمایند. اعتبار این گواهی حداکثر دو سال از تاریخ صدور می‌باشد.

ماده ۳- کاربری، ضوابط ساختمانی و بلامانع بودن نقل و انتقال یا واگذاری زمین برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل محدوده (قانونی) شهرها، باید از طریق شهردار مربوط و بر اساس طرحهای مصوب توسعه شهری به طور کتبی اعلام و گواهی شده باشد.

ماده ۴- هر گونه نقل و انتقال و واگذاری زمین به شرکتهای تعاونی مسکن و اشخاص حقیقی و حقوقی برای امر مسکن در خارج محدوده (قانون) شهرها اعم از داخل و یا خارج از حریم شهرها بجز در محدوده مصوب شهرهای جدید و شهرکهای که طبق مقررات و بر اساس طرحهای مصوب احداث شده یا می‌شوند، ممنوع می‌باشد.

احراز وقوع زمین مورد نظر در داخل شهرهای جدید و شهرکهای مصوب و تناسب زمین مذکور از نظر کاربری و ضوابط ساختمانی با برنامه‌های متقاضیان به عهده سازمان مسکن و شهرسازی استان می‌باشد.

ماده ۵- ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند تأییدیه‌های زیر را در مورد تهیه نقشه‌های تفکیک

## حکم به الزام بتنظیم سند و هر گونه واگذاری در مورد اراضی موکول به ارائه گواهی مبنی بر نداشتن کاربری معارض و ضوابط ساخت و ساز متناسب به نیاز خریدار است

از جمله دعاری شایع در تشکیلات قضایی دعوی الزام به تنظیم سند رسمی در خصوص معاملات اراضی است که با اسناد عادی انجام می‌شود قانونی تحت عنوان منع فروش واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن در یازده ماده به تصویب رسیده است که بدون اخذ گواهی لازم از شهرداری در محدوده قانون شهرها و در شهرهای جدید و شهرکهای مصوب از سازمان مسکن و شهرسازی به عنوان نداشتن کاربری معارض و ضوابط ساخت و ساز متناسب با نیاز خریدار، هر گونه واگذاری و نقل و انتقال ممنوع اعلام نمود.

شماره ۲۲۵۳-ق-۱۳۸۱/۵۲۳

حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

لایحه شماره ۲۰۹۸۷/۱۹۷۳۳ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۹ دولت در مورد منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده است، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۳۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد.

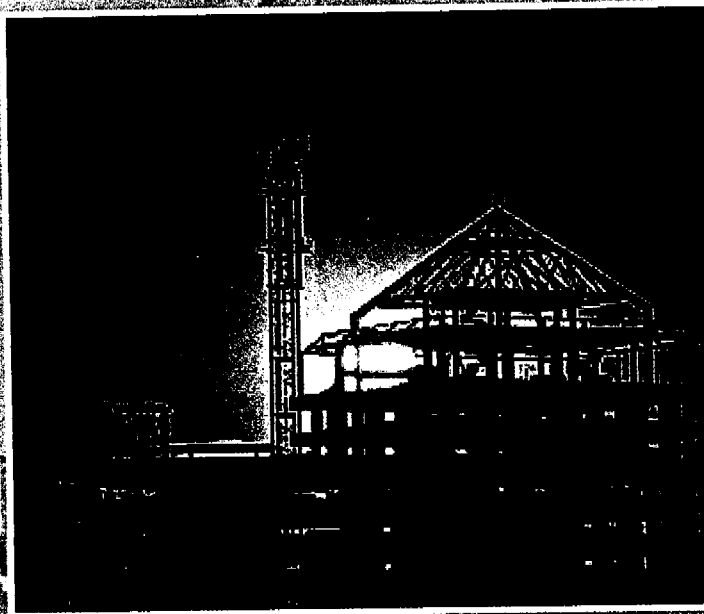
رئیس مجلس شورای اسلامی مهدی کروبی

شماره ۱۳۸۱/۵۲۳-۳۳۴۵۰

وزارت مسکن و شهرسازی

قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن و سایر اشخاص حقیقی که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ششم مرداد ماه یکم شهریور و سیصد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۲۲۵۳-ق مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۳ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

رئیس جمهور - سید محمد خاتمی  
«قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکتهای تعاونی مسکن و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی»  
ماده ۱- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون هر گونه واگذاری و نقل و انتقال اراضی به اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکتهای تعاونی مسکن کارمندی و کارگری و تعاونیهای مسکن کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی برای امر مسکن در داخل محدوده (قانونی) شهرها، شهرکها و شهرهای جدید موکول به اخذ گواهی مبنی بر نداشتن کاربری معارض و ضوابط ساخت و ساز متناسب با نیاز







**اصلاح مجدد کار بردی ترین مولد آیین نامه سازمان زندانها (مرخصی زندانیان)**

سال ۷۶ مواد مربوط به مرخصی زندانیان از سوی ریاست محترم قوه قضائیه وقت اصلاح و در این تصیقاتی در مورد اعطاء مرخصی زندانیان قائل شدند در دوره جدید ریاست قوه قضائیه جزء اولین کارها با توجه به تراکم زندانیان خصوصاً مدیونین مالی اصلاح مواد ۲۲۰ تا ۲۳۳ آیین نامه بود که مجدداً کل آیین نامه مشتمل بر ۳۳۲ ماده و ۸۴ تبصره در تاریخ ۸۰/۴/۲۶ به تصویب رئیس محترم قوه قضائیه رسید. که با گذشت تقریباً یکسال مجدداً مواد مربوط به مرخصی مورد بازنگری واقع و اصلاح شد این اصلاح مشتمل بر ۵ نکته می باشد که عبارت است از:

- ۱- افزایش مرخصی زندانیان به سبب ازدواج، فوت بستگان از ۲۲ ساعت به ۷۲ ساعت.
  - ۲- هر دو ماه حبس ۵ روز مرخصی و قابل تمدید تا ۱۰ روز.
  - ۳- یکماه مرخصی به محکومان مالی و قابل تمدید بودن آن بدون سقف.
  - ۴- الزام زندانی که به مرخصی رفته به تماس با زندان اول هر هفته.
  - ۵- امکان اعطاء مرخصی به محکومین استثناء شده از مرخصی به تشخیص رئیس کل دادگستری استان.
- شماره ۱۳۸۷/۴/۱۲ - ۶۷/۸۶۲۶/۱۴۰ - مدیر عامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
به پیوست تصویر اصلاح برخی از مواد آیین نامه و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات

تابومی و تربیتی کشور که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۲ مورد تصویب ریاست محترم قوه قضائیه قرار گرفته است برای درج در روزنامه رسمی تقدیم می گردد.

اصلاح برخی از مواد آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با توجه به بررسیهای به عمل آمده مواد ۲۰۶-۲۰۷-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵ آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بشرح زیر اصلاح و یا تغییر داده می شود و پس از ابلاغ لازم الاجراء می باشد.

ماده ۲۰۶- در موارد ازدواج، فوت بستگان نسبی و سببی درجه اول از طبقه اول یا ابتلاء آنان به بیماری حاد رئیس و یا قاضی ناظر زندان می تواند پس از اخذ وثیقه لازم یا کفالت و یا اطمینان به بازگشت زندانی برای مدت ۷۲ ساعت به زندانی مرخصی اعطاء نماید.

تبصره ۱- در تبصره ۱ عبارت (۱۰ ساعت) (۲۴ ساعت) تغییر می یابد؛  
تبصره ۲- در تبصره ۲ کلمه (شوررت) حذف می شود.

ماده ۲۰۷- در مواردی که زندانی پس از تحمل حداقل دو ماه از محکومیت حبس به تشخیص مسئول زندان مربوطه از شخصیت و اخلاق و رفتار مناسبی برخوردار باشد رئیس حوزه قضایی و یا قاضی ناظر زندان می تواند هر ماه در قبال اخذ تأمین لازم حداکثر ۵ روز بطور پیوسته و یا ناپیوسته به او مرخصی اعطاء نماید.

تبصره ۱- ماده ۲۰۷ بشرح زیر تغییر می یابد:  
تبصره ۱: در صورت احساس نیاز بیشتر این

مرخصی تا حداکثر ۵ روز دیگر در هر ماه قابل تمدید است.

ماده ۲۱۱- زندانیان مربوط به جرایم چک و هر گونه محکومیتهای مالی می توانند با موافقت هر یک از مسئول و یا قاضی ناظر زندان جهت جلب رضایت شاکی و یا کاهش مدیونیت خویش مرخصی های تا سقف یکماه بگیرند این مرخصی ها با تشخیص مفید بودن آن از طرف رئیس و یا قاضی ناظر زندان قابل تمدید می باشد.

ماده ۲۱۲- حذف می شود.  
ماده ۲۱۳- مرخصی های پیش بینی شده در موارد قبل، مانع یکدیگر نبوده و با اعطای مرخصی لازم است، آدرس زندانی در خارج از زندان و امکان تردد او آدرس محل سکونت خانواده اش در مدت مرخصی دقیقاً ثبت شود. چنانچه مدت مرخصی بیش از یک هفته باشد در اول هر هفته با زندان تماس داشته و محل خود را گزارش کند.

ماده ۲۱۴- چنانچه زندانی پس از پایان مدت مرخصی، به تشخیص مقام اعطا کننده مرخصی بدون عذر موجه به زندان مراجعه ننماید، مطابق قانون آیین دادرسی اقدام قانونی لازم نیز معمول و ایام مرخصی و غیبت جزء دوران محکومیت وی محسوب نمی گردد.

ماده ۲۱۵- محکومینی که جرم آنان سرقت مسلحانه، جاسوسی، اقدام علیه امنیت کشور، دایر کردن مراکز فساد و فحشاء هر گونه شرارت و آدم ربایی، جرایم سیاسی و کلیه مجرمینی که به جهت اجرای حکم قصاص و یا حد و اعدام در زندان نگهداری می شوند از شمول اعطای مرخصی مستثنی هستند مگر با تشخیص رییس کل دادگستری استان.

**آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۳/۱۵ و اصلاحات بعدی**

شماره ۱۳۸۷/۱۷۱۰ ۷۸۷۲۰۵۹۵

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور  
آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۳/۱۵ و اصلاحات بعدی آن که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۷/۱۹ به تصویب حضرت آیت اله عاشقی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می گردد.

رئیس نهاد قوه قضائیه  
محمود شیرج  
آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۳/۱۵ و اصلاحات بعدی  
با استناد به قانون اصلاح بازه ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۷/۱۷/۱۹ مجلس شورای اسلامی که از این پس به اختصار قانون نامیده می شود، آیین نامه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۳/۱۵ به شرح ذیل اصلاح می گردد:

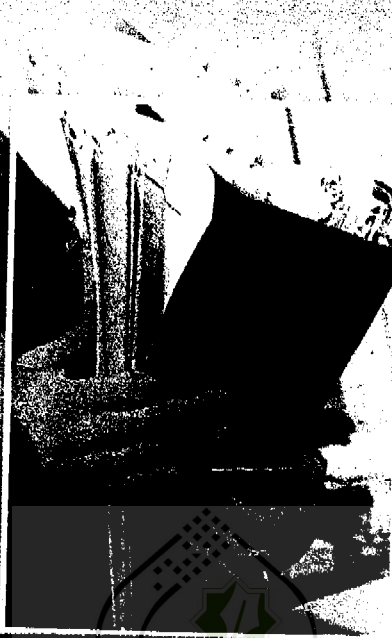
ماده ۱. در هر حوزه قضائی که بیش از یک شعبه دادگاه عمومی وجود دارد، به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف وی، شعب دادگاه بر اساس نیاز و به نسبت تراکم کار به حقوقی و جزائی تقسیم می شوند. همچنین تعیین شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر استان به دادگاه کیفری استان و تشکیل شعبه یا شعب تشخیص دیوانعالی کشور بر اساس نیاز و تراکم کار با تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد بود.

ماده ۲. از تاریخ تخصیص شعب دادگاههای عمومی و انقلاب به دادگاههای حقوقی و جزائی رسیدگی به دعاوی و شکایات مطابق مقررات قانون خواهد بود. لکن هر شعبه به پرونده هایی که قبلاً به آن ارجاع شده است ضرفتنظر از نوع آنها رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۳. از تاریخ تخصیص شعبی از دادگاههای تجدیدنظر به دادگاههای کیفری استان، دادگاههای تجدیدنظر استان کلیه پرونده هایی را که در مرحله تجدیدنظر مطرح بوده است، کماکان مورد رسیدگی قرار داده و اتخاذ تصمیم خواهند نمود هر چند موضوع این پرونده ها در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان باشد.

ماده ۴. به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه، شعب دادگاههای عمومی حقوقی و عمومی جزائی و دادرسی در هر حوزه قضائی به تناسب امکانات

و ضرورت، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرائم و دعاوی خاص تخصیص می یابند از قبیل:  
الف. دادرسی و دادگاههای عمومی جزائی



شامل، تحقیقات کیفری علوم پزشکی

جرائم اطفال  
سرقت و آدم ربائی  
صدور چک پرداخت نشدنی  
جرائم صفتی (خوراکی، بهداشتی، دارویی و سایر صنوف)

جرائم مربوط به مفاسد اجتماعی  
جعل و کلاهبرداری  
جرائم کارکنان دولت  
ب. دادگاههای عمومی حقوقی شامل:  
دعاوی تجاری  
امور حسینی  
دعاوی ثبتی، مالکتهای معنوی و صنعتی  
اعتراض به تصمیمات مراجع غیر

دادگستری  
دعاوی خانواده  
دعاوی موجر و مستأجر  
دعاوی بین المللی  
ماده ۵. موارد ضرورت مقید در ماده ۴ قانون

عبواتند از:  
الف. دعاوی حقوقی ناشی از جرم  
ب. دعاوی جزائی مرتبط با دعاوی خانوادگی  
ج. محدود بودن شعب حوزه قضائی به نحوی که به لحاظ جهات رد و معذورت امکان

رسیدگی نباشد.  
د. سایر موارد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف ایشان  
ماده ۶. هر حوزه قضائی بخش، شهرستان و استان با رعایت ضوابط و مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود.

تبصره. هر گاه مرکز بخش فاقد دادگاه باشد رسیدگی به امور قضائی آن به عهده نزدیکترین دادگاه همان استان یا حوزه قضائی شهرستان مربوط است. همچنین چنانچه در شهرستان دادگاه یا دادرسی تشکیل نشده باشد رسیدگی به امور قضائی آن به عهده نزدیکترین حوزه قضائی شهرستان تابع همان استان خواهد بود.

ماده ۷. رئیس کل دادگستری استان، رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر و رئیس دادگاههای کیفری استان است و بر دادگاههای تجدیدنظر، کیفری استان و کلیه دادگستری ها، دادگاهها و دادرسی های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت.  
رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود.

در غیر مرکز استان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی، رئیس دادگستری آن شهرستان است و بر دادگاهها و دادرسی های مربوط و همچنین دادگاههای مستقر در بخش نظارت و ریاست اداری دارد. در صورت تعدد شعب دادگاههای عمومی در حوزه قضائی مستقر در مرکز بخش، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی بر شعب دیگر نظارت و ریاست اداری خواهد داشت.

ماده ۸. با تصویب رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان می تواند تمام یا بخشی از اختیارات خود را در خصوص دادگاههای انقلاب به رئیس شعبه اول آن دادگاهها تفویض نماید. در این صورت، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی در سمت معاون وی انجام وظیفه خواهد کرد. در صورتی که در شهرستان غیر مرکز استان دادگاه انقلاب شعب متعدد داشته باشد، رئیس دادگستری آن شهرستان نیز می تواند به ترتیبی که ذکر شد اقدام نماید.

تبصره. سرپرستان مجتمع های قضائی به عنوان معاون رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان انجام وظیفه خواهند نمود.

ماده ۹. رؤسای کل دادگستری استانها، رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان، رؤسای دادگستری شهرستانها و سرپرستان حوزه های قضائی نقاط معینی از شهرهای بزرگ می توانند با تصویب رئیس قوه قضائیه به



گزیده مصوبات

حسب مورد در امور کیفری و مدنی هزینه تجدیدنظر خواهی را به ماخذ تجدیدنظر خواهی در دیوانعالی کشور پرداخت نمایند.

ماده ۲۵. درخواست تجدیدنظر باید منضم به رأی قطعی و حاوی نکات زیر باشد:

۱. نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خواه یا وکیل یا نماینده قانونی او.

۲. نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خوانده.

۳. تاریخ ابلاغ رأی قطعی.

۴. دادگاه صادر کننده رأی قطعی.

۵. دلایل تجدیدنظر خواهی.

ماده ۲۶. با وصول تقاضا، دفتر کل شعب تشخیص آن رأی و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی، طرف او و تاریخ تقدیم تقاضا با شماره ثبت به تجدیدنظر خواه تسلیم نموده و بر روی کلیه اوراق تاریخ تقدیم درخواست را قید می نماید، تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می شود.

ماده ۲۷. درخواست که برابر مقررات یاد شده تقدیم نشده و یا هزینه دادرسی آن بدون عذر پرداخت نگردیده باشد به جریان نمی افتد.

مدیر دفتر شعبه تشخیص ظرف دو روز از تاریخ وصول درخواست، نقایص آن را مطابق با قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به درخواست دهنده اخطار می دهد و از روز ابلاغ ۱۰ روز به او مهلت می دهد که نقایص را رفع کند. در صورتی که درخواست خارج از مهلت داده شده باشد، یا در مدت یاد شده تکمیل نشود، به موجب قرار شعبه تشخیص رد می شود. این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد.

ماده ۲۸. ارجاع پرونده ها به شعب تشخیص توسط رئیس دیوانعالی کشور و یا معاون وی در شعب تشخیص که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می گردد صورت می گیرد. شعبه مرجوع الیه به نوبت رسیدگی می نماید مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رئیس دیوانعالی کشور یا رئیس شعبه تشخیص خارج از نوبت ضروری باشد. رئیس شعبه پرونده های ارجاعی را شخصاً بررسی و گزارش آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه ارجاع می نماید. عضو مذکور گزارشی از پرونده را که منضم جریان دادرسی و نیز بررسی کامل جهات قانونی تجدیدنظر خواهی است، به صورت مستند و مستدل تهیه می نماید. صرف درخواست تجدیدنظر در شعب تشخیص مانع از اجرای حکم نیست، لکن چنانچه عضو مذکور در گزارش خود پیشنهاد توقف اجرای حکم را بدهد، در صورتی اجرای حکم متوقف خواهد شد که در جلسه فوق العاده پیشنهاد یاد شده به تصویب اکثریت اعضاء شعبه برسد.

ماده ۲۹. رسیدگی و اتخاذ تصمیم در شعب تشخیص و وظایف دفاتر شعب مزبور مطابق قواعد مقرر در قانون آئین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب (در امور کیفری و مدنی

شهرستانهای غیر مرکز تشکیل شود که در این صورت وظیفه فوق را دادستان همان شهرستان به عهده خواهد گرفت در دادگاه عمومی مستقر در شهرستان وظیفه فوق با دادستان همان شهرستان است.

ماده ۱۷. تحقیقات مقدماتی جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان که محل ارتکاب آنها حوزه قضائی بخش است، به عهده رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه می باشد که پس از صدور قرار نهائی پرونده را نزد دادستان شهرستان حوزه قضائی مربوط ارسال می نماید تا عنداللزوم با تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری استان ذریبط ارسال نماید.

ماده ۱۸. شروع به رسیدگی در دادگاه عمومی جزائی در موارد و جهات مقرر قانونی حسب مورد منوط به ارجاع رئیس حوزه قضائی و یا معاون وی می باشد.

شروع به رسیدگی در دادگاه انقلاب با ارجاع رئیس حوزه قضائی و یا رئیس شعبه اول خواهد بود.

ماده ۱۹. امر ارجاع در دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان با رئیس کل دادگستری استان است. رئیس کل دادگستری استان می تواند این وظیفه را به یکی از معاونین خود تفویض نماید.

ماده ۲۰. از تاریخ تشکیل دادگاه کیفری استان، دادگاههای عمومی و انقلاب استان مربوط صلاحیت رسیدگی به جرائم موضوع تبصره ۴ قانون را نخواهند داشت.

تبصره ۱. پرونده های موضوع تبصره فوق الذکر که تا قبل از تشکیل دادگاه کیفری استان در دادگاههای عمومی و انقلاب مطرح رسیدگی بوده است مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار می گیرند.

تبصره ۲. مرجع تجدیدنظر آراء موضوع پرونده های فوق دیوانعالی کشور است، مگر در مورد جرائم مربوط به مواد مخدر که مرجع تجدیدنظر آنها مطابق مقررات قانونی دادستان کل کشور و رئیس دیوانعالی کشور می باشد.

ماده ۲۱. با تصویب رئیس قوه قضائیه شعب تشخیص به تعداد لازم در دیوانعالی کشور تشکیل می شود. هر شعبه تشخیص مرکب از یک رئیس و چهار مستشار دیوانعالی کشور است. رسمیت جلسات با حضور کلیه اعضاء و تصمیمات آن با اکثریت آراء خواهد بود.

تبصره. شعب تشخیص به تعداد لازم عضو معاون خواهند داشت که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای شعب تشخیص منصوب می گردند. عضو معاون می تواند وظایف هر یک از اعضاء شعبه تشخیص را عهده دار شود.

ماده ۲۲. شعبه تشخیص به کیفری و حقوقی تقسیم خواهند شد.

ماده ۲۳. هر شعبه تشخیص یک دفتر با تعداد لازم کارمند دفتری خواهد داشت. در راس دفاتر شعب تشخیص یک دفتر کل وجود دارد که مدیر کل این دفتر بین قضات دیوانعالی کشور با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می گردد.

ماده ۲۴. تجدیدنظر خواه مکلف است تعداد لازم معاونان در هر حوزه قضائی اختیارات دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضائی تفویض شده بود مجدداً به دادستان محول می گردد.

ماده ۱۰. از تاریخ اجرای قانون، در هر حوزه قضائی اختیارات دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضائی تفویض شده بود مجدداً به دادستان محول می گردد.

ماده ۱۱. در صورت ضرورت یکی از معاونان دادستان شهرستان مرکز استان وظایف وی را در رابطه با جرائمی که در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است به عهده خواهد گرفت. معاون دادستان در امور دادگاههای انقلاب به تعداد لازم بازپرس، دادیار و کارمند اداری در اختیار خواهد داشت.

ماده ۱۲. ارجاع شکایات، درخواستها و گزارشهای ضابطین به شعب بازپرسی و دادیاری و سایر امور مربوط به دادسرا با دادستان است. معاون دادستان یا دادیاران به ترتیب تقدم در غیاب وی عهده دار انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود.

ماده ۱۳. ارجاع پرونده به بازپرس و یا دادیار در حدود صلاحیت و اختیارات قانونی آنها به تناسب اهمیت موضوع، تجربه، تبحر و سابقه کار خواهد بود.

ماده ۱۴. به جز اتهام مقامات موضوع تبصره ماده ۴ قانون که تحقیقات مقدماتی، تعقیب و اقامه دعوی نسبت به آنها منحصراً توسط دادسرای تهران صورت خواهد گرفت، تعقیب بقیه مقامات موضوع تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۰/۱۳۵۸۷ شورای انقلاب اسلامی و اصلاحیه های بعدی آن، توسط دادسرای شهرستان مرکز استان مربوط به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۵. در موارد مقرر قانونی که پرونده مستقیماً در دادگاه کیفری استان مطرح می گردد، کلیه تحقیقات توسط و تحت الامر دادگاه خواهد بود در این صورت کلیه ضابطین نسبت به انجام دستورات و تکمیل موارد خواسته شده مکلف خواهند بود. لکن در مواردی که پرونده با کیفرخواست در دادگاه مزبور مطرح گردیده است چنانچه دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده نماید یا انجام اقدامی را لازم بداند می تواند رفع نقض و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقض از دادسرای مربوط درخواست کند.

ماده ۱۶. تعقیب مهم، تحقیقات مقدماتی و اقامه دعوی در خصوص جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان توسط دادسرای حوزه قضائی صلاحیت دار به عمل خواهد آمد.

دادگاه عمومی جزائی، دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب به جرائم مندرج در کیفرخواست و نیز جرائمی که در اجرای تبصره ماده ۳ قانون مستقیماً در دادگاه مطرح می شود، رسیدگی می نماید. دفاع از کیفرخواست در دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب توسط دادستان شهرستان مرکز استان و یا معاون او و یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان بعمل خواهد آمد، مگر اینکه دادگاههای مذکور در

مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹) در حدی که قابل انطباق با وظایف و اختیارات این شعبت باشد به عمل خواهد آمد.

ماده ۳۰ - شعبت تشخیص می‌توانند در صورت ضرورت از اصحاب دعوی دعوت بعمل آورند.

ماده ۳۱ - نسبت به پرونده‌های موضوع مواد ۱۳۵ و ۲۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری و مواد ۳۲۶، ۳۲۷، ۴۱۲، ۴۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد.

الف - پرونده‌هایی که به اعلام اشتباه توسط مقامات مذکور در مواد یادشده به مراجع مربوط ارسال گردیده است، در همان مرجع مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ب - پرونده‌هایی که تقاضای اعمال مواد مذکور در مورد آنها پذیرفته شده و هنوز به مراجع مربوطه ارسال نشده است جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم عیناً به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد.

ج - پرونده‌هایی که در اجرای ماده ۲۶۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۲۸۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در دادرسی دیوانعالی کشور مطرح گردیده و هنوز در خصوص آنها اعلام اشتباه نگردیده پس از تهیه گزارش در صورت تشخیص اشتباه، به دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد.

د - پرونده‌هایی که در اجرای مواد ۱۳۵، ۲۶۸، ۳۲۶، ۳۲۷، ۴۱۱، ۴۱۲ قانون مازالذکر در مراجع مذکور در این مواد مطرح گردیده و هنوز در خصوص آنها اظهار نظر بعمل نیامده است پس از تهیه گزارش و در صورت تشخیص اشتباه عیناً در اجرای ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ به قوه قضائیه ارسال خواهد شد تا پس از بررسی و اعلام نظر در صورت اقتضا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال گردد.

ماده ۳۲ - در حوزه‌هایی که پس از لازم الاجرا شدن قانون ااداسرا تشکیل نگردیده است چنانچه رئیس حوزه قضائیه حکم کیفری اختلاف بین قانون یا شرح تشخیص دهد جهت رسیدگی به شعبت تشخیص ارسال می‌گردد.

ماده ۳۳ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای صادره از شعبه تشخیص را خلاف بین شرح تشخیص دهد پرونده را برای ارجاع به شعبه هم عرض شعبه تشخیص نزد رئیس دیوانعالی کشور ارسال می‌نماید.

ماده ۳۴ - هر حوزه قضائیه شهرستان دارای واحد اجرای احکام کیفری و مدنی است. واحد اجرای احکام مدنی به تعداد لازم مدیر الاجراء دادرسی و متصدی دفتری و واحد احکام کیفری به تعداد لازم دادیار، مدیر اجراء، متصدی دفتری و مامور اجراء خواهد داشت.

رئیس واحد اجرای احکام مدنی رئیس حوزه قضائیه یا معاون وی و رئیس اجرای احکام کیفری دادستان یا معاون وی یکی از

دادیاران می‌باشد. در حوزه‌های قضائیه بخش، اجرای احکام مدنی و کیفری توسط رئیس حوزه قضائیه یا دادرسی علی‌البدل خواهد بود.

واحد اجرای احکام مدنی تحت نظر دادگاه صادر کننده رای بدوی مطابق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و سایر قوانین و مقررات مربوط اقدام می‌نماید.

ماده ۳۵ - در حوزه‌های قضائیه شهرهای بزرگ که با تصویب رئیس قوه قضائیه دارای مجتمع‌های جزائی مستقل می‌باشند. اجرای احکام مدنی صادره از دادگاه عمومی جزائی به عهده واحد اجرای احکام مدنی مستقر در این مجتمع‌ها و تحت ریاست دادگاه صادر کننده حکم است.

ماده ۳۶ - اجرای احکام کیفری دادگاه کیفری استان یا دادرسی شهرستان مرکز استان است و اجرای احکام حقوقی آن در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم وفق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹ با واحد اجرای مدنی شهرستان مرکز استان خواهد بود. اجرای احکام کیفری شعبه تشخیص دیوانعالی کشور یا دادرسی عمومی و انقلاب حوزه قضائیه دادگاه صادر کننده رای بدوی و اجرای احکام حقوقی آن با واحد اجرای احکام مدنی حوزه قضائیه دادگاه صادر کننده رای بدوی است.

ماده ۳۷ - بلاجزای قانون ادامه اجرای احکام باقیمانده دادگاههای عمومی و انقلاب در هر حوزه در قضائیه شهرستان یا دادستان خواهان بود.

ماده ۳۸ - در مواردی که اجرای حکم باید توسط مأموران یا سازمانهای دولتی به عمل آید مسئول اجرای حکم ضمن ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجراء و آموزش لازم، نظارت کامل بر برگشتگی اجرای حکم و اقدامات آنان به عمل خواهد آورد.

ماده ۳۹ - کلیه ضابطین دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی و رؤسای سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مؤسسات عمومی در حدود وظایف خود دستورات صادره از مراجع قضائیه را در مقام اجرای حکم رعایت خواهند کرد. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می‌باشد.

ماده ۴۰ - صدور اجرائیه با رعایت مقررات ماده ۵ قانون اجرای احکام مدنی یا شعبه بدوی صادر کننده رای خواهد بود هر چند حکم مورد اجراء از مرجع تجدیدنظر صادر شده باشد.

ماده ۴۱ - هر حوزه قضائیه دارای یک یا چند واحد ابلاغ خواهد بود. رئیس واحد ابلاغ توسط رئیس حوزه قضائیه از میان قضات یا کارمندان اداری تعیین می‌گردند. واحد ابلاغ به تعداد لازم مامور ابلاغ و متصدی دفتری خواهد داشت.

ماده ۴۲ - در صورت لزوم هر حوزه قضائیه واحدهای ارشاد و معاضدت قضائیه و صلح و سازش زیر نظر رئیس حوزه قضائیه یا دادستان

جهت ارشاد و راهنمایی مراجعین و انجام صلح و سازش با تعداد لازم قاضی، کارشناس و کارمند تشکیل می‌شود.

ماده ۴۳ - رؤسای کل دادگستریها در امر جابجائی نیروها، تخصصی و سایر امور اداری مربوط به دادسرا مکلفند حسب مورد نظر دادستان محل را جلب نمایند.

این آئین نامه مشتمل بر ۴۳ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پس از ابلاغ لازم الاجراء می‌باشد.

**آئین نامه تعیین گروههای شغلی و ضوابط مربوط به تغییر مقام و ارتقاء گروه قضات**

شماره ۱۳۸۷/۱/۱۷۱۰۷۸۷۲۰۵۹۶

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور آئین نامه تعیین گروههای شغلی و ضوابط مربوط به تغییر مقام و ارتقاء گروه قضات مصوب سال ۱۳۷۴ و اصلاحات بعدی که در تاریخ ۸/۹/۱۳۸۱ به تصویب حضرت آیت‌اللهی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد.

رئیس نهاد قوه قضائیه - محمود شیرج  
**آئین نامه تعیین گروههای شغلی و ضوابط مربوط به تغییر مقام و ارتقاء گروه قضات**

(مصوب سال ۱۳۷۴ و اصلاحات بعدی) به استناد تبصره ۵ ماده ۱۴ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۹/۶/۱۳، مجلس شورای اسلامی، گروههای شغلی و ضوابط مربوط به تغییر مقام و ارتقاء گروه قضات به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - گروههای شغلی:  
 گروه ۱) پایه ۴ قضائیه؛ مشاور امور محجورین و سرپرستی گروه ۲) پایه ۵ قضائیه؛

دادرس علی‌البدل درجه ۳ شهرستان، دادیار درجه ۳ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان، دادرس علی‌البدل درجه ۳ بخش، دادیار ۳ دادسرای نظامی شهرستان.

گروه ۳) پایه ۶ قضائیه؛ دادرس علی‌البدل درجه ۲ شهرستان، دادرس علی‌البدل درجه ۳ دادگاه عمومی مرکز استان، دادرس علی‌البدل درجه ۳ دادگاه دادگاه مرکز استان، دادرس علی‌البدل درجه ۳ دادسرای نظامی مرکز استان، دادیار درجه ۲ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان، دادرس علی‌البدل درجه ۲ بخش، دادیار درجه ۲ دادسرای نظامی شهرستان، دادیار درجه ۳ دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان، دادیار درجه ۳ دادسرای نظامی مرکز استان، مشاور دادگاه عمومی ویژه رسیدگی به پرونده‌های مدنی خاص، (دادگاه خانواده).

گروه ۴) پایه ۷ قضائیه؛ دادرس علی‌البدل درجه ۱ شهرستان، دادرس علی‌البدل درجه ۲ دادگاه عمومی

دادرس علی‌البدل درجه ۲ دادگاه عمومی

دادرس علی‌البدل درجه ۱ شهرستان، دادرس علی‌البدل درجه ۲ دادگاه عمومی

دادرس علی‌البدل درجه ۲ دادگاه عمومی

مرکز استان، دادرسی علی البدل درجه ۲ دادگاه انقلاب مرکز استان، دادرسی علی البدل درجه ۲ دادگاه نظامی مرکز استان، رئیس شعبه دادگاه عمومی درجه ۲ شهرستان، دادرسی علی البدل درجه ۱ بخش، دادیار درجه ۱ دادرسی نظامی شهرستان، رئیس شعبه دادگاه انقلاب درجه ۲ شهرستان، دادیار درجه ۱ دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان، دادیار درجه ۲ دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان، دادیار درجه ۲ دادرسی نظامی مرکز استان، بازپرس درجه ۲ دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان، مشاور دادگاه نظامی، بازپرس درجه ۲ دادرسی نظامی شهرستان، رئیس شعبه دادگاه درجه ۲ بخش .

گروه ۵) پایه ۸ قضائی:

دادرسی علی البدل درجه ۱ دادگاه عمومی مرکز استان، دادرسی علی البدل درجه ۱ دادگاه انقلاب مرکز استان، دادرسی علی البدل درجه ۱ دادگاه نظامی مرکز استان، رئیس شعبه دادگاه عمومی درجه ۱ شهرستان، رئیس شعبه دادگاه انقلاب درجه ۱ شهرستان، رئیس شعبه دادگاه عمومی درجه ۲ مرکز استان، رئیس شعبه دادگاه انقلاب درجه ۲ مرکز استان، رئیس شعبه دادگاه نظامی ۲ مرکز استان، دادیار درجه ۱ دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان، دادیار درجه ۱ دادرسی نظامی مرکز استان، بازپرس درجه ۱ دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان، بازپرس درجه ۱ نظامی شهرستان، بازپرس درجه ۲ دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان، بازپرس درجه ۲ دادگاه نظامی عمومی و انقلاب، معاون دادرسی عمومی و انقلاب بازرس کل کشور، معاونین رئیس دادگستری شهرستان، معاونین شعبه اول دادگاه انقلاب استان، معاونین سرپرستان حوزه قضائی در تهران و مرکز استانها و شهرهای بزرگ، معاونین و مستشاران ادارات و دفاتر کل، معاون دادستان نظامی استان، کارمند قضائی ادارات و دفاتر کل، رئیس شعبه دادگاه عمومی درجه ۱ بخش .

گروه ۶) پایه ۹ قضائی:

دادستان نظامی استان، رئیس شعبه دادگاه عمومی درجه ۱ مرکز استان، رئیس شعبه دادگاه انقلاب درجه ۱ مرکز استان، رئیس شعبه دادگاه نظامی ۱ مرکز استان، بازپرس درجه ۱ دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان، بازپرس درجه ۱ دادرسی نظامی مرکز استان، دادستان عمومی و انقلاب، معاون دادرسی عمومی و انقلاب تهران، معاون دادستان دادرسی نظامی تهران، معاونان مدیر کل (دارای پایه قضائی)، معاونین رئیس کل دادگستری استان، مدیران کل سازمانهای وابسته به قوه قضائیه در صورت دارا بودن پایه قضائی، مستشار و دادرسی علی البدل دادگاههای تجدیدنظر استان، مستشار و دادرسی علی البدل دادگاه کیفری استان، رئیس دادگستری شهرستان، معاون شعبه اول دادگاه انقلاب تهران، بازرس قضائی و سرپرست گروههای بازرسی سازمان بازرسی کل کشور، مشاور دیوان عدالت اداری، دادرسی

دیوان عدالت اداری، معاونین و مستشاران ادارات و دفاتر کل .

گروه ۷) پایه ۱۰ قضائی :

معاونین دادستان انتظامی قضات، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح در مراکز استان، معاونین سازمان قضائی نیروهای مسلح، مدیران کل سازمان قضائی نیروهای مسلح (دارای پایه قضائی)، مدیران کل سازمان بازرسی کل کشور (دارای پایه قضائی)، معاونین سازمان بازرسی کل کشور، سرپرستان دفاتر بازرسی کل کشور در مراکز استان، دادستان عمومی و انقلاب تهران، رئیس دادگاه کیفری استان، اعضای شعبه تشخیص، عضو معاون دیوانعالی کشور، مستشاران دیوانعالی کشور، دادیار دیوانعالی کشور، عضو اصلی دادگاه عالی انتظامی قضات، عضو علی البدل دادگاه انتظامی قضات، مستشار دادگاه عالی انتظامی قضات، دادستان نظامی تهران، مدیران کل که دارای پایه قضائی باشند، رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاههای عمومی مرکز استان، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران، مشاورین مقامات مذکور در گروه ۸ در صورتیکه پایه قضائی داشته باشند، رئیس دادگاه تجدیدنظر استان، قائم مقام دادگستری استان، قائم مقام شعبه اول دادگاه انقلاب تهران، رئیس شعبه بدوی دیوان عدالت اداری، مستشار تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، دادیار دادرسی انتظامی قضات، بازرسان دفتر نظارت و پیگیری قوه قضائیه، بازرسان قضائی و سرپرست گروههای بازرسی سازمان بازرسی کل کشور، معاونین و مستشاران ادارات و دفاتر کل، رئیس مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان.

گروه ۸) - پایه ۱۱ قضائی:

معاونین رئیس قوه قضائیه و معاونین وزیر دادگستری که پایه قضائی داشته باشند، رئیس شعبه دیوانعالی کشور، رئیس شعبه تشخیص، معاونین رئیس دیوان عالی کشور، معاونین دادستان کل کشور، رئیس کل دیوان عدالت اداری، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح، مشاورین رئیس قوه قضائیه و وزیر دادگستری در صورت دارا بودن پایه قضائی، رئیس شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، معاونین دیوان عدالت اداری، رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، قائم مقام بازرسی کل کشور، معاون اول سازمان قضائی نیروهای مسلح، دادستان انتظامی قضات .

تبصره - رئیس دیوان عالی کشور، رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات، دادستان کل کشور در بالاترین گروه شغلی قرار می گیرند.

ب. ضوابط تغییر مقام و ارتقاء گروه:

۱. از این به بعد حداقل پایه قضائی برای نیل به هر گروه به ترتیبی است که در گروههای هشتمگانه به آن اشاره شده است .  
۲. حداقل شرایط تحصیلی برای مشاغل قضائی یا ملحوظ داشتن تبصره ۳ ماده ۱۴ لیسانس قضائی یا معادل آن است. تشخیص و

تأمین معادل بودن با مراجع مربوط خواهد بود.  
۳. در تغییر مشاغل قضائی رعایت نتایج ارزشیابی و احراز توانائی قضات در انجام امور محوله الزامی است. برای تعیین توانائی و ارزشیابی قضات نظریه رئیس مستقیم و دادرسی انتظامی قضات یا دادگاه عالی انتظامی قضات ملاک عمل می باشد که از طریق دفتر ارزشیابی قضات انجام می گیرد.

۴. تغییر مشاغل قضائی که مستلزم تغییر گروه نباشد پس از بررسی کمیسیون مأمور اجرای بند ۳ از اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام می گیرد.

۵. تغییر مشاغل قضائی که مستلزم ارتقاء گروه باشد پس از بررسی و پیشنهاد کمیسیون با تصویب ریاست قوه قضائیه انجام خواهد شد.

۶. دارندگان مشاغل قضائی در ازای دارا بودن یا احراز دو پایه قضائی بالاتر از حداقل پایه تعیین شده و یا سه سال توقف در هر گروه تا نیل به گروه بالاتر از حقوق و مزایای یک گروه بالاتر استفاده خواهند کرد. استفاده از مزایای پایه قضائی در این شق مانع استفاده از امتیاز توقف در هر گروه و بالعکس نخواهد بود. استفاده از این امتیاز در هر گروه فقط برای یکبار است زمان صدور ابلاغ برای برخورداری از این امتیاز ابتدای سال آینده بدون در نظر گرفتن مدت مازاد بر سه سال توقف خواهد بود.

تبصره . مدت توقف برای دارندگان مدرک تحصیلی فوق لیسانس یا دکترا در رشته قضائی به شرط دارا بودن سایر شرایط به ترتیب ۴ سال و ۳ سال است از این امتیاز فقط یکبار می توان استفاده نمود.

۷. از تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۳ حقوق کارآموزان قضائی فارغ التحصیل براساس گروه ۱ جدول حقوق قضات تعیین و پرداخت می گردد.  
۸. شرط ارتقاء به گروه بالاتر، دارا بودن حداقل پایه قضائی مندرج در این آئین نامه می باشد.

۹. قضائی که در اجرای ماده ۱۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در مشاغل گروه پایین تر منصوب می شوند، تفاوت حقوق گروه قبلی آنان با گروه جدید پرداخت خواهد شد. این تفاوت در افزایش گروه بعدی کسر خواهد شد.

۱۰. مشاغل قضائی که در این آئین نامه پیش بینی نشده و یا بعداً ایجاد می شود با در نظر گرفتن جهات مندرج در تبصره ۵ ماده ۱۴ قانون فوق الذکر به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه در یکی از گروههای شغلی قرار خواهد گرفت.

۱۱. اجرای این آئین نامه نسبت به قضات دادرسی و یا سایر مشاغل جدید که در قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۷/۷/۲۸ آمده است منوط به تشکیل دادسرا و یا دادگاههای مقرر در قانون مذکور خواهد بود.

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

دستورالعمل عفو ۲۲ بهمن ۱۳۸۱

حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی دامت توفیقانه  
رئیس محترم قوه قضائیه  
سلام علیکم ورحمه...  
نامه‌ی شماره‌ی ۷۸۷۱۹۷۶۷ مورخ ۱۳۸۱/۳۰/۸۷۱۰۳۰  
حضرتعالی مبنی بر درخواست عفو محکومانی  
که محکومیشان تا تاریخ ۸۷/۱۷/۲۲ قطعیات یافته  
به مناسبت دهه مبارک فجر و عید سعید قربان  
به استحضار مقام معظم رهبری «مدظله العالی»  
رسید، فرمودند:



بسم الله الرحمن الرحيم  
با سلام و تحیت و تبریک اعیاد بزرگ فجر  
واضحی با پیشنهاد عفو و تخفیف کیفر نامبردگان  
موافقت می‌شود. افزایش و دوام توفیقات آن  
جناب را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.  
والسلام علیکم ورحمه‌ب الله

مراتب بانضمام تصویر دستخط مبارک  
معظم له برای دستور اقدام مقتضی، ابلاغ  
می‌شود. ضمناً دستخط دیگر ایشان که حاوی  
دیدگاههای معظم له در مورد عفو است، تقدیم  
می‌شود.

محمدی گلپایگانی  
به مناسبت فرا رسیدن ایام الله دهه مبارک  
فجر انقلاب اسلامی و بیست و دوم بهمن  
ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و یک، سالروز  
پیروزی انقلاب اسلامی ایران که مقارن با اعیاد  
بزرگ قربان و غدیر می‌باشد و در اجرای بند ۱۱ از  
اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
که محکومین محاکم عمومی، انقلاب اسلامی  
و نظامی سراسر کشور که محکومیت آنان تا  
تاریخ ۱۳۸۱/۱۷/۲۲ قطعیات یافته باشند. به شرح زیر  
مشمول عفو و رافعت اسلامی قرار می‌گیرند:

- الف: محکومین به حبس که در زندان بسر  
می‌برند:  
۱. باقیمانده محکومیت حبس تا پنج سال،  
چنانچه تا تاریخ ۸۷/۱۷/۲۲ یک چهارم آن را  
تحمل کرده باشند.  
۲. محکومیت حبس بیش از پنج سال،  
چنانچه تا تاریخ ۸۷/۱۷/۲۲ یک پنجم آن را تحمل  
کرده باشند، به یک سوم تقلیل می‌یابد.  
۳. محکومیت محکومین به حبس ابد،  
چنانچه تا تاریخ ۸۷/۱۷/۲۲ حداقل پنج سال آن را  
تحمل کرده باشند، به پانزده سال تقلیل می‌یابد.  
تبصره ۱. محکومین به حبس ابد مربوط به  
قتل عمدی و محکومین به اعدام یا حبس ابد  
که یک نوبت مشمول عفو شده‌اند، از شمول  
بندهای سه و چهار مستثنی می‌باشند.  
تبصره ۲. چنانچه محکومی در یک دادنامه  
به چند حبس ابد محکوم گردد، کلیه حبس‌های  
مؤبدی با احراز سایر شرایط مندرج در  
دستورالعمل، مشمول عفو واقع و هر یک از آنها  
به پانزده سال حبس تقلیل می‌یابد.  
۴. محکومین حبس کلیه محکومینی که

صورت داشتن محکومیت‌های متعدد مجموع  
محکومیت‌های دادنامه در حال اجرا ملاک  
محاسبه خواهد بود.

ج. شرایط استفاده از عفو:

۱. بیش از ۳ فقره سابقه محکومیت در  
جرایم عمدی نداشته باشد.
۲. در مورد محکومیت حبس ده سال و کمتر  
از آن یا جزای نقدی، در صورت استفاده از عفو  
قبلی، مبنای محاسبه باقیمانده محکومیت پس از  
اعمال عفو می‌باشد.
۳. در مورد محکومین به حبس بیش از ده  
سال (مندرج در دادنامه)، سابقه برخورداری از  
عفو در این محکومیت را نداشته باشند.
۴. شاکی خصوصی نداشته باشد یا تا پایان  
سال جاری رضایت شاکی را جلب و یا ضرر  
و زیان مدعی خصوصی و زیان دیده (اعم  
از اشخاص حقیقی یا حقوقی) را جبران کرده  
باشد.

د. محکومیت به موارد ذیل از شمول این  
دستورالعمل مستثنی است:

- سرقَت مسلحانه و راهزنی، قاچاق سلاح  
و مهمات، اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی،  
جاسوسی، آدم ربائی، تجاوز به عفت، دایر یا  
اداره کردن مرکز فساد یا فحشاء و اختلاس، ارتشاء،  
کلاهبرداری و سرقَت بیش از ۱۵ میلیون ریال.
- تبصره ۱. معاونت در جرائم مندرج در این  
بند، از مستثنیات عفو نبوده و اینگونه محکومین  
با احراز شرایط در شمول دستورالعمل عفو  
می‌باشند.

تبصره ۲. ملاک محاسبه در نصاب اختلاس،  
ارتشاء، کلاهبرداری و سرقَت چنانچه محکومین  
چند نفر باشند، سهم هر یک از شرکاء است نه،  
مجموع آن جرائم مذکور.

۱۳۸۱/۱۷/۲۲

تغییرات بعدی در تاریخ  
تولد مستخدمین دولتی از لحاظ  
بازنشستگی مؤثر در مقام نیست.

رای هیات عمومی - شماره ۷۳/۸۰۳۸ -  
۱۳۸۱/۴/۹  
طبق ماده ۹۹ قانون استخدام کشوری  
ملاک تشخیص سن مستخدمین مشمول قانون  
مذکور از لحاظ بازنشستگی شناسنامه‌ای است  
که در بدو استخدام ارائه نموده‌اند و در نتیجه  
تغییرات بعدی در تاریخ مستخدمین مزبور  
از حیث بازنشستگی مؤثر در مقام نیست.  
بنابراین دادنامه شماره ۴۲۲ مورخ ۱۳۷۴/۵/۷  
شعبه هجدهم بدوی دیوان در پرونده کلاسه  
۶/۷۴ از این جهت که مبین این معنی است  
موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده  
می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده  
۱۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری مصوب  
۱۳۷۸/۷/۱ برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط  
در مورد مشابه لازم اتباع است.

بر اثر تصادف و حوادث غیرعمدی محکوم  
شده‌اند به استثناء موارد ناشی از مستی و نداشتن  
گواهینامه رانندگی.

۵. محکومیت حبس زنانی که قبل از  
تاریخ ۸۷/۱۷/۲۲ حکم قانونی سرپرستی فرزند یا  
فرزندانشان را داشته و همچنان سرپرست  
قانونی هستند.

ع. باقیمانده محکومیت حبس و جزای  
نقدی محکومین زیر ۱۸ سال (در تاریخ وقوع  
جرم کمتر از ۱۸ سال داشته باشند) و ذکور بالای  
۶۵ و اناث بالای ۵۰ سال به استناد اسناد سجلی  
و در مورد اتباع بیگانه فاقد اسناد معتبر به تأیید  
پزشکی قانونی مراکز استانها.

ب. محکومین به جزای نقدی که به لحاظ عجز  
از پرداخت آن در حبس بسر می‌برند:

۷. باقیمانده محکومیت به جزای نقدی تا  
ده میلیون ریال
  ۸. محکومیت جزای نقدی از ده میلیون  
و یک ریال تا پنجاه میلیون ریال به یک پنجم  
تقلیل می‌یابد.
  ۹. محکومیت جزای نقدی از پنجاه میلیون  
و یک ریال تا صد و پنجاه میلیون ریال به دو  
پنجم تقلیل می‌یابد.
  ۱۰. محکومیت به جزای نقدی از صد و  
پنجاه میلیون و یک ریال تا پانصد میلیون ریال به  
یک دوم تقلیل می‌یابد.
  ۱۱. باقیمانده محکومیت جزای نقدی  
محکومیتی که تا تاریخ ۸۷/۱۷/۲۲ با تقسیط جرمه  
آزاد گردیده‌اند مشروط بر اینکه تا تاریخ مذکور  
اقساط را پرداخت کرده باشند تا یک پنجم تقلیل  
می‌یابد.
- تبصره ۱. محکومیت محکومینی که در  
اجرای ماده ۴۸۴ قانون آئین دادرسی کیفری  
سابق یا ماده ۲۹۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های  
عمومی و انقلاب در امور کیفری در زندان بسر  
می‌برند مشمول بندهای قسمت الف و ب  
نخواهند بود.  
تبصره ۲. در مورد بندهای الف و ب در